

**بررسی حضور طبیعت در آثار شاخص معماری دوره پهلوی اول بر اساس روش تبارشناسی فوکو***کیانوش فرجی^۱، قادر بایزیدی^{۲*}، بهمن باینگانی^۳

تاریخ دریافت مقاله :

۱۳۹۸/۰۳/۲۹

تاریخ پذیرش مقاله :

۱۳۹۹/۰۲/۰۷

چکیده

بیان مسأله: معماری متنی فرهنگی و مکانی برای بازتاب اعتقادات، اندیشه‌ها و باورهای فردی و اجتماعی است و در دوره‌های مختلف تاریخ مفاهیم متنوع و کارایی را از طریق صورت، عملکرد و محتوا به تصویر کشیده است. یکی از این مفاهیم، طبیعت است که در تمام ابعاد زندگی انسانها به انحای مختلف حضور داشته است؛ این حضور تابع مولفه‌هایی است که بر اساس اندیشه‌های فوکو، گفتمان‌ها خالق آنها هستند؛ گفتمان‌هایی که محصول قدرت جامعه و حاوی گزاره‌هایی می‌باشند که تمامی ساختارهای جامعه را تحت تاثیر قرار می‌دهند. دوره پهلوی اول در ایران، دوره گذر از سنت به مدرنیته است؛ در این بازه، تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی داخلی و برون مرزی منجر به وقوع دگرگونی‌هایی در ساختار جامعه گردید. بی‌تردید این تغییرات، حضور طبیعت و مفاهیم برگرفته از آن را با دانش و بینشی جدید تفسیر نمود.

سؤال تحقیق: این پژوهش در تلاش است تا به دو سؤال اصلی پاسخ دهد: ۱- حضور طبیعت در معماری دوره پهلوی اول بر اساس نگاه تبارشناسانه فوکو، وابسته به چه مفاهیمی است؟ ۲- این مفاهیم چگونه و تحت تاثیر چه عواملی در کاربری‌های متنوع این دوره تجلی یافتند؟

اهداف تحقیق: هدف اصلی در این پژوهش شناسایی گفتمان‌ها و نقش آنها در منابعی به نحوه حضور طبیعت در آثار شاخص معماری دوره پهلوی اول است.

روش تحقیق: روش تحقیق تبارشناسی فوکویی و تکنیک تحلیل داده‌ها، تحلیل گفتمان است.

مهم‌ترین یافته‌ها و نتیجه‌گیری تحقیق: نتایج حاصل از تحقیق نشان می‌دهند که حضور طبیعت و مفاهیم برگرفته از آن در معماری دوره پهلوی اول دارای یک هویت ثابت دایمی و از پیش تعیین شده و متأثر از سیر تکامل تاریخی نیست؛ بلکه متأثر از حضور گفتمان‌هایی است که در هر دوره و بر اساس ویژگی‌های حاکم بر جامعه شکل گرفته‌اند و عامل قدرت در شکل‌گیری هویت آنها نقش به‌سزایی داشته است؛ علاوه بر آن، گذر زمان، نه تنها عامل تکامل و پیوستگی حضور طبیعت در معماری ایران نبوده، بلکه خالق گسست‌هایی بوده است که می‌توانند مقدمه‌ای برای خلق صورت جدیدی از سلطه و کشف حقیقت و دانشی بدیع در معماری باشند.

کلمات کلیدی: تبارشناسی فوکو؛ طبیعت؛ معماری؛ دوره پهلوی اول

* این مقاله مستخرج از رساله دکتری نویسنده اول با عنوان "تبارشناسی تعامل انسان و طبیعت در معماری معاصر ایران دوره پهلوی بر اساس اندیشه-های فوکو" می‌باشد که به راهنمایی نویسنده دوم و مشاوره نویسنده سوم در دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج انجام شده است.

^۱ دانشجوی دکتری، گروه معماری، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران. Kian.Faraji@gmail.com

^{۲*} استادیار گروه معماری، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران. (نویسنده مسئول). Q_Bayzidi@yahoo.com

^۳ استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه گلستان، گرگان، ایران. Bahman.bayangani@gmail.com

۱- مقدمه

طبیعت در طول تاریخ محملی برای تفسیر علم، هنر و معماری بوده و با حضور در کالبد و روح پدیده‌ها قوای حسی، ادراکی و شهودی انسانها را از طریق ۱. مشاهده مستقیم و تأثیر عناصر محسوس به صورت طبیعت اولیه، ۲. دخل و تصرف در طبیعت و دگرگونی ساختاری عناصر آن به صورت طبیعت ثانویه و ۳. مفاهیم متأثر از طبیعت به صورت تجریدی در کالبد و محتوا، تحت تأثیر قرار داده است. این تعدد حضور در ادوار مختلف- از بینش کهن اسطوره‌ای تا بینش جدید - دربردارنده معانی متنوعی بوده است، به طوریکه در جهان‌بینی سنتی، یکی از عوامل اصلی ارتباط انسان با ماورا و نظم گیتی و در دیدگاه معاصر، محصول دیالکتیک ذهنی انسان و جهان عینیات معرفی شده است (قدوسی فر و همکاران، ۱۳۹۱: ۳۸). دوره پهلوی اول در ایران دوره گذر از سنت به مدرنیته و دوره خلق تحولات بدیع در معماری بود؛ عرق ملی و تعصبات مذهبی از یک سو و دلبستگی به تحولات نوین جهانی از سوی دیگر مولفه‌های تأثیرگذار در این تحولات بودند که منجر به شکل‌گیری گرایش‌های متنوعی در معماری شدند. این گرایش‌ها با بازگشت به گذشته مفاهیم متنوعی را به عاریت گرفته و آنها را با شرایط جامعه، منطبق ساختند. یکی از این مفاهیم طبیعت است که با حضور در لایه‌های معماری، پیام‌های متعددی را بر اساس رویکردهای گوناگون به مخاطب عرضه می‌کند. تاکنون مطالعات ارزنده‌ای در حوزه طبیعت و معماری انجام شده که نتایج حاصل از آنها بر اساس نظریه‌های گوناگون منجر به شناسایی الگو واره‌های مختلف ارتباط انسان و طبیعت، نشانه‌شناسی طبیعت، پدیدارشناسی و ... شده است. تبارشناسی فوکو متأثر از رهیافت سازه‌انگاری، روش تاریخی نوینی است که تاکنون در حوزه معماری جایگاهی نداشته است، اما در حوزه علوم سیاسی و اجتماعی، مطالعات جامعی در این زمینه انجام شده است^۱. با تکیه بر این رویکرد و با بهره‌گیری از مفاهیم رایج آن می‌توان به طبیعت به گونه‌ای متفاوت نگریست و حضور آن را در معماری تفسیر نمود؛ لذا در این تحقیق بعد از ارایه روش- شناسی پژوهش، نسبت به تدوین مبانی نظری، بررسی مفهوم طبیعت و چگونگی حضور آن در معماری دوره پهلوی اول^۲ برای نیل به مقاصد پژوهشی ذیل اقدام

خواهد شد: ۱. دسته‌بندی گرایش‌های شاخص دوره پهلوی اول و نگاهی به نحوه حضور طبیعت در آنها. ۲. شناسایی گفتمان‌های حاکم بر جامعه و نقش آن‌ها در مناقب‌خشی به مفهوم طبیعت بر اساس اندیشه‌های فوکو.

۲- پرسش‌های تحقیق

- حضور طبیعت در معماری دوره پهلوی اول مطابق با رویکرد تبارشناسی فوکو، وابسته به چه مفاهیمی است؟
- این مفاهیم چگونه و تحت تأثیر چه عواملی در کاربری- های متنوع این دوره تجلی یافتند؟

۳- فرضیه‌های تحقیق

- به نظر می‌رسد که حضور طبیعت در معماری دوره پهلوی اول و پیامدهای اجتماعی آن، متأثر از نظریه رهیافت گفتمانی است و عامل قدرت در تجلی آن نقش تعیین‌کننده دارد.
- به نظر می‌رسد که حضور طبیعت در فرم و آرایه گرایش‌های معماری دوره پهلوی اول تحت تأثیر گفتمان- های غالب (ملی‌گرایی، غرب‌گرایی و مدرن‌گرایی) و پدیده قدرت، منجر به خلق نظام‌های معنایی متفاوت شده و زمینه پذیرش هنجاری قدرت را فراهم نموده است.

۴- پیشینه تحقیق

در طول تاریخ، طبیعت به انحای مختلف در معماری ظهور نموده است؛ این تجلی متأثر از حضور مفاهیم مختلفی است که دیدگاه‌ها و اندیشه‌های متنوع مولد آن‌ها هستند. با پیدایش مفاهیم نوین در علوم مختلف، تغییر و تحولات متعددی در نحوه تعامل انسان و طبیعت به وقوع پیوست که منجر به شکل‌گیری گرایش‌های متنوعی در معماری گردید. در جدیدترین دیدگاه‌ها و در کتاب سرشت نظم، الکساندر ارتباط انسان و طبیعت در معماری را فقط مختص به حضور عناصر طبیعی نمی‌داند، بلکه با ارایه الگوی واحدی از درجه حیات - که در تمام پدیده‌های پیرامونی وجود دارد و مقدار آن‌ها با هم متفاوت است - شیوه‌های نوین از فهم تعاملات میان انسان و طبیعت و آفرینش نظم و هماهنگی در ورای آن را بیان نمود که سرشار از زیبایی هستند و طعم زندگانی را در خود دارند. او معتقد است که با نمایش خصایص بنیادین طبیعت در





مشهود است. عروج‌نیا و هوشنگی (۱۳۹۵)، قدوسی‌فر و همکاران (۱۳۹۱)، معتقدند که در جهان سنتی، ادیان عنصر غالب در تعیین خط فکری و آداب و منش جوامع بودند و عقاید و دیدگاه‌های آن‌ها در شکل‌گیری و نحوه گسترش هنرها و همچنین در حفظ، گرامی‌داشت و بهبود رابطه انسان و طبیعت تأثیری ژرف داشته‌است. در این مقاله سعی بر آن است تا بر اساس شرایط حاکم بر دوره پهلوی اول، ضمن بهره‌گیری از مطالعات گذشته طبیعت به عنوان عامل معناساز، نحوه حضور طبیعت در آثار شاخص این دوره، با نگاهی نو و بر اساس اندیشه‌های فوکو مورد بررسی قرار گیرد.

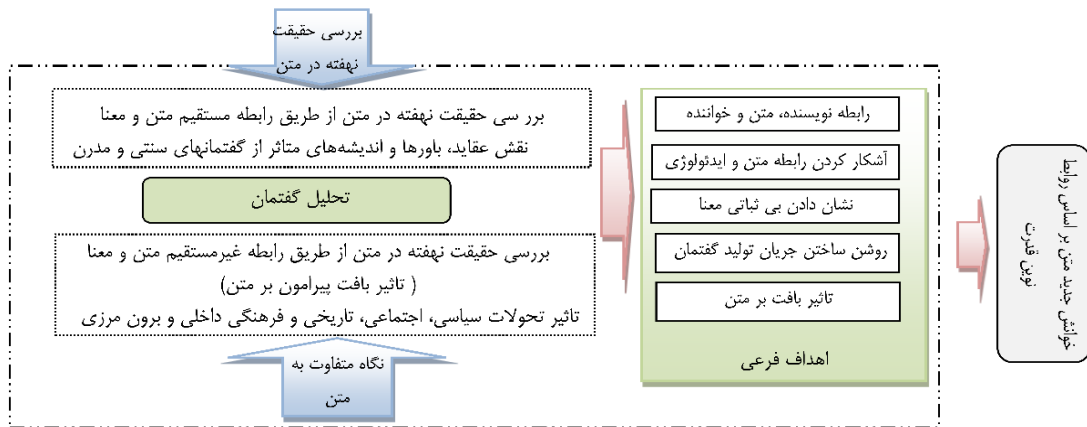
۵- روش تحقیق

پژوهش حاضر رویکردی تاریخی دارد، اما با معنایی متفاوت با آنچه تاریخ‌نگاران سنتی از تاریخ مد نظر دارند. تبارشناسی فوکویی، تحلیلی نقادانه است که تلاش می‌کند معرفت‌های رایج درباره امور و اشیا را درهم بشکند؛ روشی تحلیلی-تاریخی است که بر گسست، عدم تداوم و فقدان یگانگی تأکید دارد و در جستجوی قواعد کلان تکاملی یا معانی ژرفی که باعث فهم و درک تاریخ می‌شود، نیست (اکرمی و اژدریان‌شاد، ۱۳۹۱: ۱۱). روشی انتقادی است که با تحلیل و مشخص نمودن عواملی که باعث بوجود آمدن مفاهیم ارزشمند در زمان حاضر شده‌اند، به نقد آن‌ها می‌پردازد. تأکید بر روابط معرفت و پیدایش گفتمان در تلافی قدرت و معرفت و تأثیر کردارهای غیر-گفتمانی از مسائلی است که در این روش دیده می‌شود (دریفوس و رایبنو، ۲۰۰۵: ۲۳). تبارشناسی فوکویی بر پایه چهار اصل، از تبارشناسی سنتی قابل تفکیک است که این اصول عبارتند از:

اصل اول واژگونی

به تعریف فوکو، واژگونی عبارت است از آنچه انسان ممکن است در فرض مفهوم مخالف در ذهن خود احیا کند. بدین معنا که وقتی سنت یا مکتبی تفسیر خاصی از رویدادی تاریخی عرضه می‌دارد، می‌توان با طرح تفسیر و تعبیر مقابل آن زمینه اندیشه تازه‌ای را در آن خصوص مهیا کرد. به عبارت دیگر، وقتی پدیده‌ای از زاویه خاصی مورد توجه قرار می‌گیرد، می‌توان زاویه و افق دیگر آن را نیز مطرح کرد (ضمیران، ۱۳۹۵: ۳۸).

ساختارهای غیر زنده و انسان‌ساخت می‌توان حس حیات و سرزندگی ساختارهای طبیعی را به آن‌ها منتقل نمود. این خصایص عبارتند از: مقیاس‌های مختلف، مراکز نیرومند، مرزها، تکرار متناوب، تقارن موضعی، انسجام و ابهام عمیق، تضاد، درجه‌بندی، ناهمگونی، فضای خالی و ... (الکساندر، ۱۳۹۲). شولتز در بخش‌هایی از کتاب روح مکان به طور مستقیم از طبیعت، نیروهای طبیعت، الگوهای زنده و امر طبیعی بهره گرفته و با بیان مبانی فکری خود، انسان را وادار نموده تا به پیرامون خود بنگرد و آن را درک کند و علاوه بر آن احساس کند که به چیزی اصیل و واقعی رجعت می‌کند (شولتز، ۱۳۸۱: ۹۴). گلابچی و زینالی-فرید (۱۳۹۳) در کتاب معماری آرکی‌تایپی، مساله بازگشت به منشأها را مطرح نموده و سلطه طبیعت (نیروهای آسمانی) بر انسان را که در دوره پیش از مدرن مطرح بوده است را دوباره در معماری نوین مورد بررسی قرار داده‌اند. (Lewcock (2005) سرنمون‌ها، نمادها و مفاهیم کهن‌الگویی در معماری بومی را مورد بررسی قرار داده است. (El Ghobash y & Mosaad (2016) ، به بررسی حضور طبیعت در فضاهای داخلی، رابطه طبیعت و ادراک انسان و نقش آن‌ها در پیوستگی فضای معماری با محیط پیرامونی پرداخته‌اند. Coburn & etal (2019)، (Giurea , Elipe & Diaz (2018) ، (2019) (2014) و (Yurthuran & et.al (2013) ، معتقدند که مطالعه طبیعت و تقلید و بهره‌گیری از الگوهای طبیعی - متاثر از دیدگاه‌های مختلف- می‌تواند از لحاظ روانی تأثیر عمیقی در زندگی انسان‌ها داشته باشد و علاوه بر آن موجب زیبایی و جذابیت فضاهای معماری شود. نورمحمدی (۱۳۸۸) دگرگونی‌های مفهوم طبیعت را در دوره‌های تاریخی بر اساس دیدگاه‌های راپاپورت و آگوست کنت بررسی نموده و سرشت فضای معماری را وابسته به سرشت فضای انسانی و سرشت طبیعت می‌داند. ارجاع به منشأ ارگانیک، نظم، ساختار و سرشت انسانی، روحیه مکان، الگوهای زندگی و خردمندی بوم را رویکردهای مبتنی بر طبیعت در معماری مدرن معرفی نموده است. فرهی فریمانی و حقیقت‌بین (۱۳۹۵) رفتار انسان و طبیعت را منوط به اعتقادات انسان‌ها دانسته و تأثیر این رابطه در زندگی فردی و اجتماعی انسان، شکل‌گیری، مکان‌یابی و سازماندهی کالبدی و فضایی شهرها و مجتمع‌های زیستی



نمودار ۲ - چگونگی تحلیل گفتمان (ماخذ: نگارندگان)

۶- مبانی نظری تحقیق

حضور طبیعت در معماری، متأثر از یک واکاوی هنجاری بوده و در طول تاریخ بر اساس دیدگاه‌های متفاوت و نظریه‌های متعدد (دینی و ذهبی، فلسفی و علمی) معانی متنوعی را به مخاطب منتقل نموده است. مبادله معنا متأثر از حضور زبان است و زبان به صورت نوعی رسانه افکار، تصورات و احساسات انسان‌ها را در قالب یک فرهنگ نمایان می‌سازد. در دوره معاصر با پیشرفت علوم در حوزه‌های مختلف، نظریه‌های نوینی پا به عرصه وجود گذاشتند که موجبات پیوند زبان و معنا را با فرهنگ فراهم ساختند. در سال‌های اخیر نظریه سازه‌نگار متشکل از دو رهیافت نشانه‌شناسی^۴ ساختارگرا و نشانه‌شناسی پساساختارگرا (رهیافت گفتمانی) بیش‌ترین تأثیر را در مطالعات فرهنگی گذاشته است. نشانه‌شناسان ساختارگرا (سوسور، یاکوبسن، اشتراوس و ...) با نگرش زبان‌شناسانه رابطه متن و معنا را مستقیم دانسته و به رمزگشایی و کشف رمزگان متن پرداخته‌اند. نشانه‌شناسان پساساختارگرا (بارت، دریدا، فوکو و ...) رابطه بین متن و معنا را غیرمستقیم دانسته و به جنبه‌های متکثر، لایه‌های متن و فرایند تاخیری معنا اشاره نموده‌اند (حمه‌جانی، ۱۳۹۷). در زبان‌شناسی هر واژه‌ای بدو دارای معانی صریح و در مرتبه بعد ضمنی، غیرمستقیم و استنباطی است. یعنی در مرتبه نخست چارچوب مفهومی واژه واضح و صریح است. در نشانه‌شناسی، معنای صریح و معنای ضمنی در حقیقت مفاهیمی هستند که با رابطه دال و مدلول سر و کار دارند و دو نوع مدلول از هم متمایز می‌شوند: مدلول صریح و مدلول ضمنی؛ معنا هر دو را شامل می‌شود و بی‌تردید هیچ یک بر دیگری اولویت ندارد و بافت تعیین‌کننده

است (سجودی، ۱۳۹۳: ۷۱). در دلالت مستقیم یا صریح، تمایل به آرایه معنای معین، ملفوظ، آشکار یا مطابق عقل سلیم برای نشانه وجود دارد، به عبارتی دلالت مستقیم یک تصویر بصری است که همه مخاطبان از هر فرهنگ و در هر زمانی می‌توانند تشخیص دهند. دلالت ضمنی برای ارجاع به معناهای اجتماعی- فرهنگی و شخصی نشانه به کار می‌رود و به طبقه، سن، جنسیت و نژاد تفسیرکننده بستگی دارد (چندلر، ۱۳۹۴: ۲۱۰).

در این پژوهش تلاش بر آن است تا معانی حاصل از طبیعت به عنوان یکی از مولفه‌های سازنده متن / معماری، بر اساس اندیشه‌های فوکو مورد بررسی قرار گیرند؛ لذا مبانی پژوهش حاضر در دو بخش قابل بررسی است: الف. تبارشناسی فوکویی؛ ب. نحوه حضور طبیعت و مفاهیم وابسته به آن در معماری. از آنجایی که تبارشناسی فوکویی بر اساس مفاهیم متعددی شکل گرفته است، لذا به منظور ارتباط بیشتر خواننده با مبانی نظری پژوهش، ابتدا به معرفی این مفاهیم پرداخته شده است.

- گفتمان

گفتمان، در معنای اصلی خود به هر گونه ارتباط نوشتاری یا گفتاری اشاره دارد. گفتمان نظامی است که به شیوه‌های درک ما از واقعیت شکل می‌دهد (صالحی‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۱۹)؛ گفتمان‌ها مجموعه گزاره‌هایی هستند که به زبان امکان می‌دهند درباره موضوعی خاص در لحظه تاریخی خاص سخن بگویند یا دانش مربوط به آن موضوع را به گونه‌ای بازنمایی کنند. گفتمان درباره تولید دانش از طریق زبان است، ولی از آنجا که همه کردارهای اجتماعی دربردارنده معنا هستند و معناها آن‌چه انجام می‌دهیم یا رفتار ما را شکل داده و تحت تأثیر قرار می‌دهند همه



اعمال وجه گفتمانی دارند. گفتمان درباره زبان و عمل است و می‌کوشد تمایز سنتی بین آن‌چه فرد می‌گوید (زبان) و آن‌چه می‌کند (عمل) را از میان بردارد. به عقیده فوکو، گفتمان هر دوره باعث می‌شود که در آن دوره، علمی خاص غالب باشد و انسان چنان یک ابژه خاص مورد شناسایی قرار گیرد. به تصور او در هر دوره، گفتمان‌ها اشکال دانش، ابژه‌ها، سوژه‌ها و دانش‌پردازی-هایی تولید می‌کنند که از دوره‌ای به دوره دیگر بسیار متفاوت است و پیوند ضروری میان آن‌ها وجود ندارد (همان ماخذ: ۸). لذا مفهوم گفتمان به معنای وجود داشتن یا نداشتن چیزها نیست، بلکه درباره این است که معناها از کجا می‌آیند (همان ماخذ: ۸۶).

فوکو با پیگیری نقش گفتمان‌ها در فرآیندهای اجتماعی گسترده، مناسبات قدرت و چگونگی پدیدآیی حقایق رایج و حفظ آن‌ها را مورد توجه قرار داده است. وی گفتمان‌ها را واسطه‌ای می‌داند که مناسبات قدرت از طریق آن، سوژه‌ها را پدید می‌آورند. به اعتقاد او گفتمان هم بردار قدرت است و هم تولیدکننده، نیرودهنده و هم فرساینده آن (فوکو، ۱۳۸۳: ۱۱۷). فوکو معتقد بود که مفهوم گفتمان، تاکید بر فرآیندهای اجتماعی دارد که مولد معنا هستند، به طوری که از درون گفتمان‌های متفاوت، جهان متفاوت درک می‌شود. از نظر او اهمیت گفتمان‌ها در این است که آشکارکننده بازی قدرت در جایگاه‌های مشخص-اند. آن‌ها بیانگر ایدئولوژیک جایگاه‌های طبقاتی نیستند، بلکه کنش‌های قدرتی هستند که فعالانه به زندگی مردمان شکل می‌دهند (عضدانلو، ۱۳۸۰: ۵۵).

- اپیستمه

به آرایش گفتمانی و روابط میان گفتمان‌های موجود در یک جامعه که برای تحلیل جامعه به سراغ آن‌ها باید رفت، اپیستمه گفته می‌شود؛ اپیسمه مجموع دانسته‌های یک دوره نیست، بلکه مجموعه پیچیده‌ای از روابط میان دانش‌های تولید شده در یک دوره می‌باشد و قوانینی است که از طریق آن، دانش‌های جدید شکل می‌گیرند (قنبری، ۱۳۹۶: ۹۸).

- قدرت

یکی از مجادله برانگیزترین منازعات فکری در حوزه نظریه‌های سیاسی، بحث پیرامون مفهوم قدرت در دیدگاه متفکرانی نظیر میشل فوکو است. فوکو معتقد است که

قدرت متکثر است و هیچ‌وقت به صورت زنجیروار عمل نمی‌کند، بلکه ماهیت چرخشی دارد و هرگز در انحصار مرکز واحدی نیست و همواره از طریق نوعی سازمان شبکه مانند در اختیار قرار می‌گیرد و اعمال می‌شود (فوکو، ۱۹۸۰: ۹۸)؛ از دیدگاه فوکو همه افراد جامعه در مقام اعمال‌کننده قدرت هستند- قدرتی که از بالا به پایین اعمال نمی‌شود- و موضوع اعمال آن تا حدودی گرفتار این شبکه چرخش است و در همه سطوح اجتماعی رخنه می‌کند و می‌توان ردپای آن را در هر عرصه زندگی اجتماعی یافت. او معتقد است قدرت صرفاً به منزله نیرویی که نه می‌گوید بر ما سنگینی نمی‌کند، بلکه از ما فرا می‌رود و چیزهایی تولید می‌کند و موجب لذت می‌شود، اشکال دانش به وجود می‌آورد و گفتمان تولید می‌کند؛ بنابراین باید قدرت را شبکه مولدی تصور کرد که سرتاسر هستی اجتماعی را در می‌نوردد (گل‌محمدی، ۱۳۹۶).

فوکو بر این باور بود که تمامی عناصر فرهنگی یک دوران تاریخی از واژه گرفته تا سخن، از گفتمان گرفته تا اپیستمه، در فضایی از قدرت شکل می‌گیرند، از این‌رو نمی‌توان با معرفت و شناخت ناب که از منازعات قدرت بری باشد سخن گفت. او در مطالعات خود نشان می‌دهد که در جامعه و سیاست هر دری بر پاشنه قدرتی می‌چرخد؛ به نظر او رابطه دانش و قدرت یا دانایی و توانایی بر محور مساله اصلی ذهن و عین دور می‌زند و ریشه مسایل اجتماعی رابطه این دو با هم است و انواع قدرت و تکنولوژی از دانش استخراج می‌گردد. روابط قدرت نه تنها روابط سیاسی بلکه تمام روابط انسان‌ها را در بر می‌گیرد. قدرت و آزادی ملازم یکدیگرند؛ قدرت همه چیز را خلق می‌کند، حقیقت هم یکی از صور قدرت است (نوابخش و کریمی، ۱۳۸۷).

- حقیقت

در اندیشه مدرن و ماقبل مدرن، حقیقتی کلی و جهانی، مستقل از نگرش‌ها و چشم اندازه‌های جوامع مختلف وجود داشت که سوژه قادر به کشف آن و جامعه و حقیقت باید در جهت آن حقیقت هدایت می‌شدند. فوکو خنثی‌بودن حقیقت و جدایی آن از جامعه و رابطه قدرت را بی‌معنا و هر حقیقت و نظام دانایی را صورت‌بندی خاصی از رابطه قدرت می‌داند و این چنین حقیقت مطلق و فرا تاریخی را نافی فردیت و آزادی انسان، و سوژه را نه فردیت و





مختار بودن بلکه شکل درونی شدن آن حقیقت مطلق می- دانست که برای نفی سوژه و رهایی فرد از دام گفتمان می‌بایست اسطوره حقیقت فرا تاریخی را نابود کرد (قادری، ۱۳۹۰: ۱۳۳). فوکو اعتقاد داشت که حقیقت بیرون از قدرت نیست، بلکه متعلق به این جهان است و از طریق اشکال متعدد محدودیت، تولید می‌شود و به صورت منظم قدرت تولید می‌کند. هر جامعه رژیم حقیقت یا سیاست عمومی حقیقت خود را دارد؛ یعنی انواع گفتمان‌هایی که جامعه می‌پذیرد و به منزله حقیقت به آن‌ها عمل می‌کند، سازوکارها و الگوهایی هستند که شخص را به متمایز کردن گزاره‌های درست و نادرست توانا می‌کند (فوکو، ۱۹۸۰: ۱۳۱).

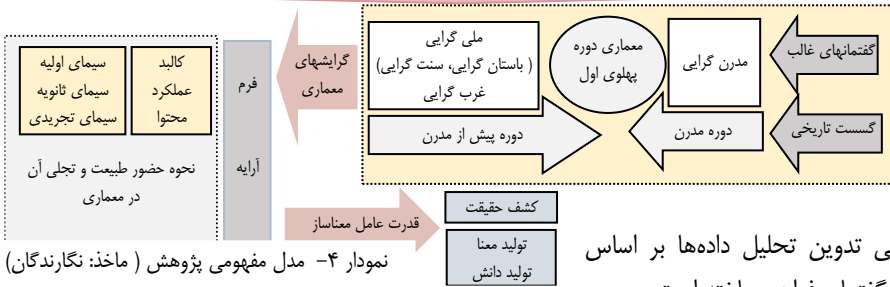
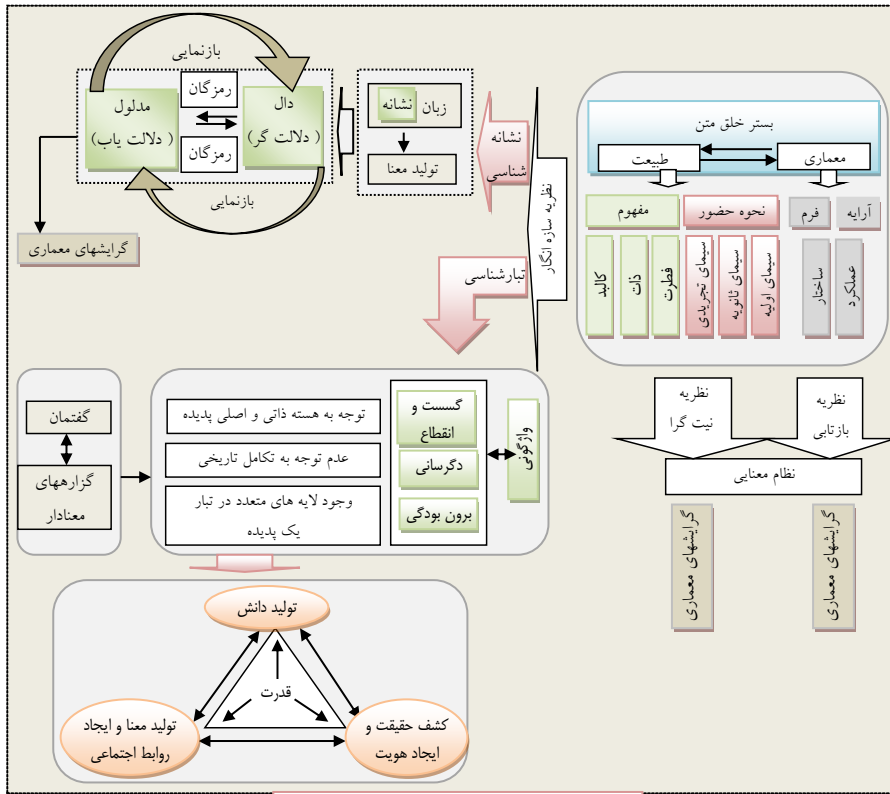
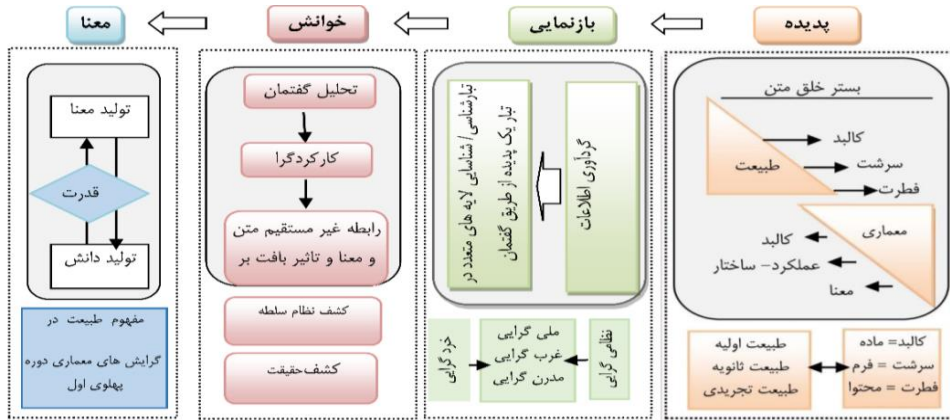
۶-۱- تبارشناسی فوکویی

تبارشناسی فوکویی رهیافتی گفتمانی است و نقش مهمی در اعتبار زدایی از مفهوم حقیقت در حوزه مطالعات علوم انسانی دارد؛ در این رویکرد از یک سو تولید معنا با زبان مشترک و پیوند آن‌ها با قدرت در چارچوب گفتمان- های خاص امکان‌پذیر است و از سوی دیگر بازنمایی بیشتر به منزله منبع تولید دانش اجتماعی [و در بر دارنده] نظام بازتری است که پیوندهای نزدیک‌تری با اعمال و مسایل اجتماعی مرتبط با قدرت دارد (گل‌محمدی، ۱۳۹۶: ۳۱). در این رهیافت زبان صرفاً گذرگاه انتقال اطلاعات و بازنمایی صرف واقعیت نیست، بلکه ماشینی است که جهان اجتماعی را می‌سازد و معنادار می‌کند. هویت‌ها و روابط اجتماعی محصول زبان و گفتمان‌ها هستند و تغییر در گفتمان، تغییر در جهان اجتماعی را به همراه خواهد داشت و نزاع گفتمانی به تغییر و بازتولید واقعیت اجتماعی منجر خواهد شد (حسینی‌زاده، ۱۳۸۳: ۱۸۱).

۶-۲- نحوه حضور طبیعت در معماری

حضور طبیعت در دوره‌های مختلف تاریخ تحت تاثیر جهان‌بینی سنتی و دیدگاه مدرن چهره متفاوتی داشته است، به طوری که در دوره پیش از مدرن توجه انسان بیشتر به منشاء پیدایش جهان بود و طبیعت به معنی سرمنشاء و فطرت در معماری بیان می‌شد (فلاح و شهیدی، ۱۳۸۹: ۳۸). در این دوره، منشاگرایی گفتمان غالبی بود که مفاهیم ساده، آغازین و اصیل را از یک سو و

مفاهیمی همچون سرنمون، آرکی تایپ و ناخودآگاه را از سوی دیگر در معماری به تصویر کشید؛ لذا طبیعت از طریق تشابه کالبدی و معنایی عناصر طبیعت در معماری حضور یافت و انسان از طریق قدرت طبیعت به اهداف خود در معماری دست یافت. در دوره مدرن عقلانیت و منطق، مولفه‌های معناسازی بودند که موجب درک جدیدی از حقیقت بر اساس نگرش‌های مکانیکی و ریاضی‌وار در معماری گردیدند. معماری در این دوره به امور کمی انسان و استانداردهای فیزیکی زندگی، تقلیل یافت و برخلاف معماری کهن که معماری هدایت‌گر و منطبق بر اهداف فلسفی انسان بود تنها به نیازهای آدمی منطبق شد و به جنبه‌های هدایت و پرورش آن توجه نکرد و زیبایی را در پاسخ‌گویی کامل به نیازهای این جهانی انسان دید (فلاح و شهیدی، ۱۳۸۹: ۴۲). در این دوره خردگرایی و انسان‌مداری گفتمان‌هایی بودند که انسان را عامل و فاعل دانسته و او را از کیهان و خدا جدا نمودند. در دوره بعد از مدرن، جهان شاهد به وقوع پیوستن تحولات جدیدی بود که با رویدادهای قبلی تفاوت‌های فاحشی داشتند و متاثر از گفتمان‌های جدیدی بودند که در آفرینش حقایق نقش کلیدی داشتند. مولفه‌هایی نظیر انحلال سوژه استعلایی، تکثر هویتی، صورت‌بندی گفتمانی سوژه و متافیزیک حداقلی (سرتشنیزی و عزیزخانی، ۱۳۹۰: ۴۲)، در بسط اندیشه‌های این دوره تاثیر به سزایی داشتند. در این دوره حضور نظریه‌های متعدد در حوزه‌های علوم مختلف از جمله فلسفه و روان‌شناسی منجر به حضور متنوع طبیعت در معماری گردید. توجه به الگوهای رفتاری، بوم‌گرایی و منطقه‌گرایی مفاهیمی بودند که حضور طبیعت را از طریق تاثیر و تاجر انسان و طبیعت بر یکدیگر و ایجاد رابطه این همانی انسان و طبیعت افزایش دادند. لذا در این پژوهش برای نیل به اهداف مورد نظر، ابتدا با دسته‌بندی مطالعات انجام شده در مبانی نظری پژوهش و انطباق آن‌ها با عوامل تاثیرگذاری که در نمودار ۱ و ۲ به آنها اشاره شده است، مدل مفهومی تحقیق به صورت نمودار ۴ قابل تدوین است. مدل عملیاتی تحقیق (نمودار ۳) که با اتکا به مدل مفهومی و روش‌شناسی پژوهش تدوین شده است، زمینه و بستر لازم را



برای چگونگی تدوین تحلیل داده‌ها بر اساس روش تحلیل گفتمان فراهم ساخته است.

۷- مطالعات و بررسی‌ها

۷-۱- معماری به مثابه یک متن

هر اثر معماری همانند متنی است که کلمه‌های آن احجام، بافت‌ها و اجزای تشکیل‌دهنده آن هستند که ضمن

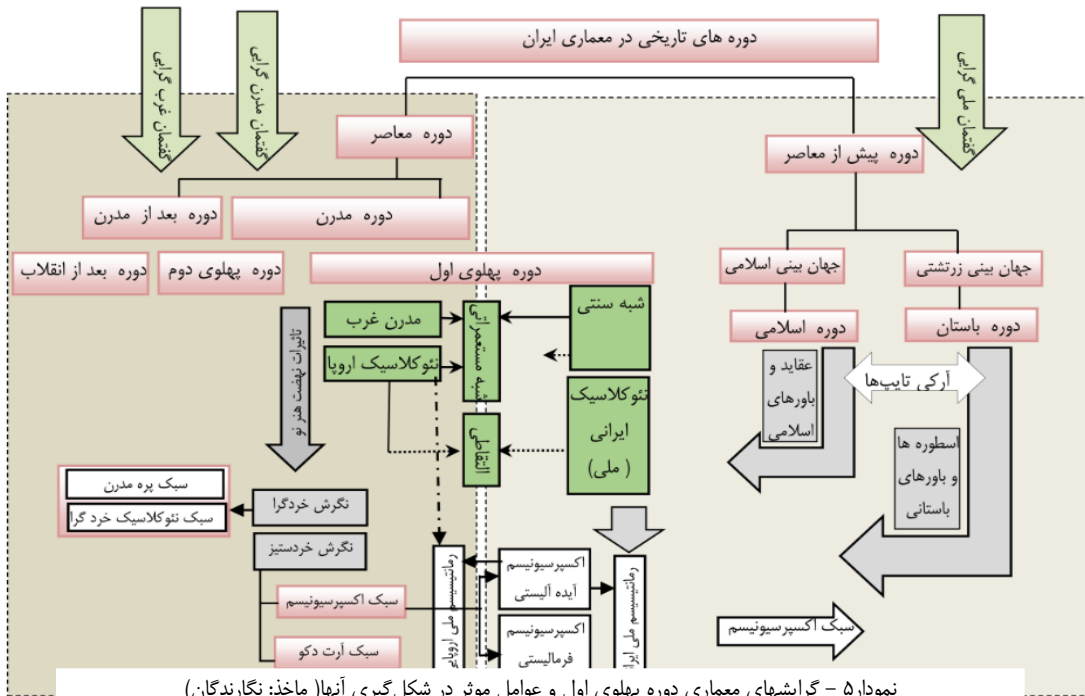


محور» و «گفتمان محور» تقسیم نمود؛ عنوان سوم، نظریه‌ای است که نگارندگان در این مقاله از منظر نشانه‌شناسی پسا ساختارگرا و با استناد به اندیشه‌های فوکو به تبیین آن خواهند پرداخت.

۷-۲- گرایش‌های معماری دوره پهلوی اول

در دوره معاصر با وقوع تحولات مدرنیته اروپا، تغییرات اساسی در ایران حادث گردید. آغاز این تحولات مربوط به اواسط دوره قاجار و اوج دگرگونی‌ها مختص به دوره پهلوی بود. در این دوره، اصلاحات اساسی در زمینه اقتصادی، اداری و اجتماعی صورت پذیرفت. زیرشاخصه‌های همه این اصلاحات شکل‌گیری شبه‌مدرنیستی در چهار شاخص اصلی سکولاریسم، ناسیونالیسم باستان‌گرا، مدرنیزاسیون و عقده حقارت ملی که در اکثریت موارد ارتباط تنگاتنگی با هم داشتند، نمود پیدا کرد (بانی مسعود، ۱۳۸۸: ۱۸۴). این اصلاحات منجر به آفرینش گفتمان‌های متعدد و به تبع آن شکل‌گیری گرایش‌های متنوعی در معماری دوره پهلوی گردید. در آغاز این دوره، پدیده

وابستگی معنایی به هم از طریق رمزگان‌های مختلف پیام خود را به مخاطب انتقال می‌دهند (ریسی، ۱۳۹۵: ۶۲). با سفر در این متن مخاطب گوشه‌های اثر را بر پایه پیش-ساخت‌ها و پیش‌داشت‌هایش می‌خواند (شیرازی، ۱۳۸۱: ۱۳). معماری متن‌وار به زمان دوخته شده و در نتیجه زمان‌مند و عصری می‌شود؛ زیرا متن نتیجه عملکرد پیچیده شبکه رمزگان‌هایی است که هم وجه در زمانی دارد و هم وجه هم‌زمانی، و یک هسته بسته و واحد ندارد (سجودی، ۱۳۸۸)، بلکه سلسله مراتب معینی بر آن حاکم است و بر همین اساس است که آثار معماری قابلیت خوانش‌های مختلف به عنوان یک متن را دارا هستند. به این ترتیب، هر محیط کالبدی، ساختاری است که نشانه-های آن با ساکنان و مخاطبان سخن می‌گوید و بر معانی مختلفی دلالت می‌کند؛ البته به رغم تأثیرگذاری لایه‌های مختلف بر معنای محیط و به رغم عدم وجود هسته بسته برای معنای محیط، برخی لایه‌ها و گاهی یک لایه، نسبت به لایه‌های دیگر اصلی‌تر تلقی می‌شود و نقش لنگری تثبیت‌کننده را برای معنای متن بازی



نمودار ۵- گرایش‌های معماری دوره پهلوی اول و عوامل موثر در شکل‌گیری آنها (ماخذ: نگارندگان)

جهانی ناسیونالیسم معاصر در قالب یک دیدگاه سیاسی توانست تعریف جدید از ملی‌گرایی را در قبال ناسیونالیسم تاریخی که جایگاهی مداوم در طول تاریخ داشت ارائه دهد و بزرگ‌ترین ثمره‌اش جایگزین کردن علایق ملی و

می‌کند و جلوی شناوری مطلق معنای محیط را می‌گیرد (سجودی، ۱۳۹۳)

نظریات مرتبط با چگونگی خوانش معنای آثار معماری را می‌توان تحت سه دیدگاه کلی «مخاطب‌محور»، «مؤلف-



باستانی به جای آیین‌های قومی و دینی بود. این پدیده در آغاز سلطنت رضا شاه همراه با نوسازی، توسعه و با دست-اندازی به داشته‌های تاریخی، حرکتی نهضت‌گونه را در تمام زمینه‌ها ایجاد کرد که یکی از آثارش، معماری‌ای با گرایش شدید باستانی بود (همان ماخذ: ۸۹). علاوه بر آن معماری سنتی (شیوه اصفهانی) که میراث گذشتگان و حامل مفاهیم معنایی و عرفانی شریعت اسلام است، در این دوره با تغییراتی به صورت معماری شبه‌سنتی ظهور نمود که تلفیقی از (معماری اواخر قاجار با عناصر وارداتی و یا موتیف‌های اسلامی) بود. غرب‌گرایی و مدرن‌گرایی دگر گفتمان‌های غالب در دوره پهلوی اول بودند که منجر به تولد گرایش‌های نوینی همچون معماری نئوکلاسیک اروپایی، گرایش مدرن (سبک آرت‌دکو و اکسپرسیونیسم، که ریشه در جنبش آرنوو فرانسه داشتند) در معماری ایران گردیدند (حقیر، ۱۳۸۷). نمودار ۵ سبک‌های نوین معماری دوره پهلوی اول و عوامل موثر در شکل‌گیری آنها را نشان می‌دهد.

۷-۳- نحوه حضور طبیعت در معماری ایران

انسان همواره برای تامین نیازهای خود در سه بعد جسمانی، روانی و روحانی، طبیعت را بر اساس سه مفهوم کالبد، ذات و فطرت- که متناظر با ابعاد وجودی انسان هستند- در لایه‌های سه‌گانه معماری (کالبد، عملکرد و محتوا) از طریق سیمای اولیه، ثانویه و تجریدی^۵، متجلی ساخت. در هر یک از دوره‌های تاریخ ایران طبیعت به انحای مختلف (مستقیم و یا غیرمستقیم) از طریق فرم و آرایه‌ها در معماری متجلی شده است که عبارتند از:

۱. حضور طبیعت با نمایش زیبایی‌های کالبدی عناصر طبیعی به عنوان جزئی از ساختار معماری (ادبی و همکاران، ۱۳۸۴). (نمایش کالبد طبیعت از طریق سیمای اولیه و ثانویه طبیعت در کالبد معماری).

۲. حضور طبیعت در فضای باز و تلفیق آن با عناصر معماری نظیر حیاط و ایوان و... (محمودی، ۱۳۸۴). (نمایش کالبد طبیعت از طریق سیمای اولیه و ثانویه در کالبد و عملکرد معماری).

۳. نمایش فرم‌های طبیعت در معماری، که نتیجه تعامل انسان با ذات طبیعت است. استفاده از فرم‌های طبیعت در ساختار معماری، دستیابی به طرحی عالی است که کارایی سازه‌ای، نیازهای عملکردی و زیبایی‌شناسی در آن با

یکدیگر ترکیب شده‌اند (تقی‌زاده، ۱۳۸۵). علاوه بر آن معماری ایرانی طبیعت را جلوه‌ای از بهشت برین بر کره خاکی دانسته و با استفاده از طبیعت به آرایه بناها پرداخته که می‌توان نقوش گیاهی و ... را نمونه‌ای از طبیعت منجمد شده در کالبد بنا تصور نمود (زمانی، ۱۳۷۸). (نمایش کالبد و ذات طبیعت در کالبد و عملکرد معماری).

۴. نمادپردازی نیز یکی دیگر از روش‌های حضور طبیعت در معماری ایرانی است که نمایشی از پیام معنوی طبیعت و بازتاب مستقیمی از صفات گوناگون الهی هستند (نصر، ۱۳۷۹: ۲۰۵). (نمایش ذات و فطرت طبیعت در کالبد، عملکرد و محتوای معماری).

۸- یافته‌های تحقیق

۸-۱- تبارشناسی حضور طبیعت در معماری

دوره پهلوی اول

با توجه به پیشینه و مبانی نظری تحقیق و شناسایی گفتمان‌های غالب و نقش آنها در معنابخشیدن به متن از طریق مولفه‌های معناسازی هم‌چون طبیعت (مدل مفهومی و عملیاتی تحقیق)، می‌توان نحوه حضور طبیعت و مفاهیم متأثر از آن را در گرایش‌های معماری دوره پهلوی اول از طریق سیمای اولیه، ثانویه و تجریدی در سه لایه بیرونی (کالبد)، میانی (عملکرد) و درونی (محتوا) بررسی نمود. لایه بیرونی متن، پوسته تشکیل‌دهنده و متشکل از فرم و آرایه‌های معماری و محوطه پیرامونی بنا است که کالبد طبیعت از طریق مولفه‌های معماری (محور، هندسه، سلسله مراتب، ریتم، تکرار و تقارن) متجلی شده است. لایه میانی، راوی عملکردها و روابط بین فضاهاست؛ حضور متنوع طبیعت در این لایه موجب معنابخشی به مکان و مولفه تاثیرگذار در ایجاد رابطه بین انسان‌ها و فضاهای پیرامونی شده است؛ و لایه درونی با قرارگرفتن در بطن لایه‌های پیشین، اعتقادات و باورها، سنت‌ها و اسطوره‌ها و... را به انحای مختلف به مخاطب منتقل نموده است. در این دوره از یک سو گرایش‌های شبه-سنتی، نئوکلاسیک ایرانی، نئوکلاسیک اروپایی، التقاطی و بناهایی از گرایش شبه مستعمراتی (کارخانه سرم‌سازی حصارک)، با بازگشت به گذشته و شناسایی مولفه‌های معنا ساز و اثرگذار متأثر از طبیعت، گفتمان‌های سنتی را از طریق سیمای اولیه، ثانویه و تجریدی طبیعت، مجدداً به تصویر کشیده و تلاش نمودند تا پیام‌های نهفته در متون





گذشته را از طریق تحولات نوین (تاثیر بافت پیرامون بر متن و آفرینش گفتمان‌های نوین) دگرگون و معانی متفاوتی را به مخاطب منتقل نمایند؛ و از سوی دیگر تحولات مدرنیته از طریق گفتمان مدرن‌گرایی در تلاش بود تا الگوهای حاکم بر معماری مدرن غرب را در معماری پهلوی اول متجلی سازد؛ لذا علاوه بر گرایش مدرن غرب، دیگر گرایش‌های معماری دوره پهلوی اول نیز از سلطه گفتمان غالب مدرن‌گرایی در امان نبوده و کمابیش حضور طبیعت را در ساختار خود تجربه نمودند. جداول ۱ و ۲ چگونگی حضور طبیعت را در آثار شاخص گرایش‌های معماری دوره پهلوی اول نشان می‌دهند.

در این پژوهش با نگاهی به نحوه حضور طبیعت در معماری پیش از مدرن و مدرن و توجه به انگاره‌های دانایی حاکم بر آن‌ها، نحوه حضور طبیعت در معماری دوره پهلوی اول بر اساس اصول چهارگانه فوکویی تبارشناسی می‌شود؛ لذا بیان فرضیه زیر اولین گام در تدوین تبارشناسی فوکویی است:

«در دوره پیش از مدرن و در گفتمان‌های سنتی، انسان وابسته به طبیعت و نیروهای ماورایی آن بود و طبیعت به معنای فطرت به وسیله معماری بیان می‌شد. در دوره مدرن با ایجاد تحولات متعدد، تغییرات چشم‌گیری در نحوه حضور طبیعت در معماری حاصل شد و بر خلاف گذشته انسان بر طبیعت چیره شد؛ به عبارتی اگر در گذشته و در گفتمان‌های سنتی، مفاهیمی هم‌چون تکریم، تشابه و تقدس حاصل از حضور طبیعت موجب معنا بخشی به فضا، پیوند لایه‌های متعدد متن با یکدیگر و محیط پیرامون و تامین نیازهای انسان‌ها در ابعاد مختلف شده بود، در دوره معاصر طبیعت کالایی در اختیار انسان بود و بدون احساس نیاز به درک زبان و قانون‌مندی حاکم بر آن مورد مداخله قرار می‌گرفت». مطابق با اصل اول تبارشناسی فوکویی و با واژگونی فرضیه مطرح شده می‌توان زمینه اندیشه تازه-ای را در نحوه حضور طبیعت در معماری دوره پهلوی اول مهیا کرد.

اصل اول واژگونی

مطابق با این اصل، انگاره‌های (سلطه طبیعت بر انسان و سلطه انسان بر طبیعت) در دوره پیش از مدرن و مدرن برداشت نادرستی از بیان رابطه قدرت بین انسان و طبیعت هستند و مطابق با اندیشه‌های فوکو به نظر می‌رسد که

هیچ تقدم و تاخیری در بیان قدرت انسان و طبیعت وجود ندارد. اگر در معماری گذشته ایران و تحت تاثیر جهان-بینی‌های حاکم، حضور طبیعت به انحای مختلف تداعی-کننده مفاهیم ماورای طبیعت و تامین‌کننده نیازهای انسان بود، در دوره معاصر با تغییر ماهیت نیازها، حضور طبیعت بر اساس زیبایی و کارایی ارزیابی و از طریق مفاهیمی هم‌چون کالبد (توده و ماده) و ذات (خصایص بنیادین طبیعت) در معماری متجلی شده است.

اصل دوم گسست و انقطاع

مطالعات نشان می‌دهند که معماری ایران در طول تاریخ دو گسست اصلی را تجربه نموده است که عبارتند از ۱. ظهور اسلام و ۲. تولد مدرنیته؛ با هر گسست انگاره دانایی حاکم دگرگون و انگاره‌های جدید جایگزین آن شده است؛ به عبارتی با ظهور اسلام اسطوره‌ها و باورهای نشأت گرفته از آیین زرتشت به تدریج به حاشیه رانده شده و عقاید و باورهای اسلامی جایگزین آن گردید؛ با ظهور مدرنیته و تغییر ماهیت نیازهای انسان در عصر جدید، تغییراتی در ساختارهای زندگی رخ داد که تفاوت‌های فاحشی با دوره قبل داشتند. در دوره پهلوی اول، ایدئولوژی‌های حاکم بر زمان در قالب تحولات داخلی و برون‌مرزی، انگاره‌های دانایی حاصل از گسست‌های تاریخی را با کالبدی مشابه و معنایی متفاوت در گرایش-های معماری به تصویر کشیده و انگاره دانایی نوینی را در دوره معاصر ایران پایه‌گذاری نمودند. با خلق انگاره‌های دانایی نوظهور تحولاتی در نحوه حضور طبیعت و معانی حاصل از آن در گرایش‌های معماری رخ داد که در نمودار ۶ نشان داده شده است.

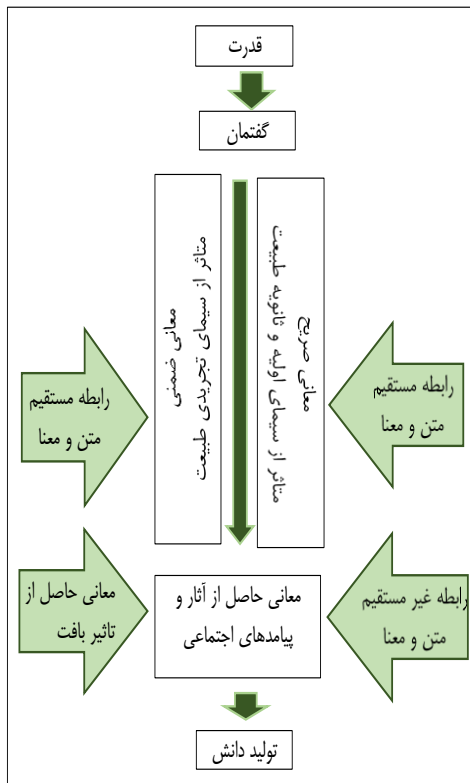
اصل سوم دگرسانی

بر اساس اصل دوم، گرایش‌های دوره پهلوی اول تداعی-کننده انگاره‌های دانایی دو دوره تاریخی هستند، اما با کارکردهای گفتمانی متفاوت؛ در این دوره ملی‌گرایی و غرب‌گرایی دو گفتمان مشابه با گفتمان سنتی (دوره پیش از مدرن) و گفتمان مدرن‌گرایی (دوره مدرن) متاثر از گفتمان خردگرایی، پا به عرصه وجود گذاشتند. هر یک از این گفتمان‌ها حضور طبیعت و مفاهیم وابسته به آن را با معانی متفاوت و متناسب با جو زمان تفسیر نمودند.

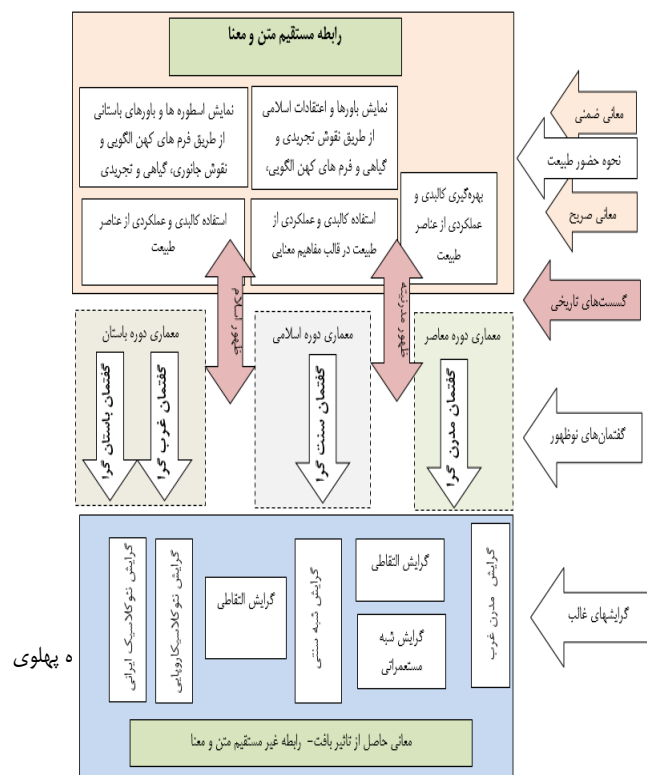
اصل چهارم برون بودگی

بیش از هر زمان دیگری نقش کلیدی در ساختار زندگی انسان‌ها ایفا نمود و از طریق گفتمان‌های متعدد توانست معنایی متناسب با روح زمان به خود بگیرد. پژوهش حاضر علاوه بر شناسایی نحوه حضور طبیعت در نظام‌های کالبدی و عملکردی آثار شاخص معماری در گرایش‌های مختلف و نقش آن‌ها در انتقال معنا از طریق بازنمایی بر اساس جهان‌بینی و ایدئولوژی‌های حاکم بر دوران، آثار و پیامدهای اجتماعی بازنمایی را در چارچوب گفتمان‌های غالب در جامعه تفسیر نموده و نشان داده که چگونه اندیشه‌های سیاسی به جای اینکه در قالب الگوها و سنت‌های فکری واحدی طبقه‌بندی و بر جامعه تحمیل شوند، از طریق مولفه‌های سازنده معماری (نظیر طبیعت و

گفتمان‌های ملی‌گرا، غرب‌گرا و مدرن‌گرای دوره پهلوی اول با وجود تشابهات کالبدی، تفاوت‌های معنایی فراوانی با گفتمان‌های سنتی داشتند. آن‌ها واسطه‌هایی بودند که از طریق ضابطه‌مند کردن مستمر ذهن شهروندان، به شیوه‌ای نامرئی بر الیاف نرم مغز تاثیر گذاشته بودند (قنبری، ۱۳۹۶: ۸۰) و در تلاش بودند تا با نگاهی متفاوت به متن و از طریق برداشت‌های سطحی (ارتباط غیر مستقیم بین متن و معنا و نمایش تاثیر بافت پیرامون بر متن) پیوند عمیقی بین طبیعت و ساختارهای جامعه لایه-های محسوس بنا کالبدشکافی کنند. به نمودار ۷ نگاه کنید.



نمودار ۷- رابطه متن و معنا بر اساس اندیشه‌های فوکو (ماخذ: نگارندگان)



۹- نتیجه تحقیق

تحولات دوران معاصر موجب تغییر ماهیت نیازها و به تبع آن دگرگونی مفاهیم طبیعت گردید. در این دوره طبیعت





















جدول ۱ - حضور طبیعت در گرایش‌های معماری دوره پهلوی اول (ماخذ نگارندگان)

دوره پهلوی اول	طبیعت اولیه		طبیعت تجریدی	مورثه های مناسب																					
	کالبد طبیعت																								
	عناصر واقعی مخصوص	عناصر غیر واقعی مخصوص	عناصر دگرگون مخصوص	مفاس	مرکز	مرز	تقارن	تضاد	درجه بندی	تکرار متناوب	ناهمگونی	انسجام و انبساط	عمیق	فضای خالی											
بناهای شاخص سیکهای معماری	دیبرستان البرز حافظیه مدرسه ایرانشهر بیمارستان شاهرخا خانه امین اسلامی کاخ سبز موزه ایران باستان آرامگاه فردوسی کاخ شهبانی شهرداری تبریز دیبرستان شاهیور رشت تمازخانه مریم مقدس باشگاه دانشگاه تهران ساختمان اداری جیب عمارت خویشیاری کارخانه قند ورامین کارخانه سرم سازی حصارک کارخانه آرد قزوین	آب	گیاهان	نور	باد	نقوش گیاهی	نقوش جانوری	مصالح سستی	مفاس	مرکز	مرز	تقارن	تضاد	درجه بندی	تکرار متناوب	ناهمگونی	انسجام و انبساط	عمیق	فضای خالی						
		*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*				
		*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*			
		*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*			
		*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*			
		*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*		
		*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	
		*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
		*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
		*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
		*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
		*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
		*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*

رابطه مستقیم متن و معنا از طریق حضور مولفه های حاکم بر گفتارهای سستی
رابطه غیرمستقیم متن و معنا از طریق تأثیرات یافت بر متن



جدول ۲- آثار شاخص گرایش‌های معماری دوره پهلوی اول (ماخذ نگارندگان)

			سبک سنت و سنت‌گرایی
حافظیه، ماخذ: Caoi	مدرسه ایرانشهر، ماخذ: وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۸۸: ۱۶۸	دبیرستان البرز، ماخذ: وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۸۸: ۱۶۹	
			سبک طبیعی
مریضخانه شاه رضا، ماخذ: شافین و همکاران، ۱۳۸۴: ۷۷	خانه امین اسلامی، ماخذ: ۱۳۸۰ نصابپور، ۱۳۲	کاخ سبز، ماخذ: نگارندگان	
			سبک ملی
کاخ شهرتاشی، ماخذ: نگارندگان	آرامگاه فردوسی، ماخذ: شافین و همکاران، ۱۳۸۴: ۶۲	موزه ایران باستان، ماخذ: نگارندگان	
			سبک نئوکلاسیک
نمازخانه مریم مقدس، ماخذ: ذابلی و همکاران، ۱۳۸۲: ۱۳۷	شهرتاری تبریز، ماخذ: وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۸۸: ۱۶۳	دبیرستان شاهپور رشته ماخذ: وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۸۸: ۹۵	
			سبک مدرن
عمارت خوانساری، ماخذ: Shahrifarang.com	ساختمان اداری جبهه، ماخذ: وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۸۸: ۲۰۴	بانسگاه دانشگاه تهران، ماخذ: وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۸۸: ۱۰۷	
			سبک شبه استعماری
کارخانه آرد صادق اف، ماخذ: www.ism.ir	کارخانه سرمساری حصارک، ماخذ: ذابلی و همکاران، ۱۳۸۲: ۱۰۸	کارخانه فلد ورامین، ماخذ: ذابلی و همکاران، ۱۳۸۲: ۱۱۴	





مفاهیم وابسته به آن) توانستند در کانون توجه قرار گیرند و موجبات پذیرش هنجاری قدرت در جامعه را فراهم سازند. حضور طبیعت در هر یک از اجزای معماری (فرم و آرایه‌ها)، تحت تاثیر رویکرد تبارشناسی فوکو در بردارنده سه معناست:

۱. معانی صریح، حاصل ارتباط انسان با عناصر محسوس و قابل ادراک طبیعت (کالبد و ذات) از طریق سیمای اولیه و ثانویه طبیعت.

۲. معانی ضمنی، ماحصل ارتباط انسان با مفاهیم ماورای طبیعت (ذات و فطرت) از طریق سیمای اولیه و تجربیدی طبیعت،

۳. معانی حاصل از آثار و پیامدهای اجتماعی که نتیجه رابطه انسان و طبیعت از طریق حضور گفتمان‌ها است و بر خلاف معانی صریح و ضمنی، هویت ثابت و دایمی ندارد. لذا می‌توان چنین بیان نمود که نمایش طبیعت از طریق گفتمان‌های ملی‌گرایی (باستان‌گرایی و سنت‌گرایی)، غرب-گرایی و مدرن‌گرایی مجسم‌کننده معنا و ارتباطات اجتماعی

- سیاسی قدرت در دوره پهلوی اول است؛ به عبارتی حضور طبیعت به صورت سیمای اولیه، ثانویه و تجربیدی

علاوه بر تامین نیازهای غریزی و فطری انسان‌ها، از طریق منابع قدرت نرم (فرهنگ‌ها، هنجارها، قوانین بین‌الملل و ایدئولوژی‌ها) اندیشه‌های سیاسی و فرهنگی حکومت را به

مخاطب منتقل و جامعه را با حکومت پیوند زده است، به طوری که باورها و ارزش‌های دوران باستان، اسلامی و قوانین

متاثر از تحولات مدرنیته از طریق مفاهیمی همچون طبیعت در گرایش‌های شبه‌سنتی، نئوکلاسیک ایرانی، التقاطی،

نئوکلاسیک اروپایی و گرایش مدرن برای تامین اهدافی همچون نمایش قدرت سیاسی حکومت و مشروعیت‌بخشی

به آن، ترغیب افکار عمومی و قانونی جلوه‌دادن حکومت، اصالت بخشیدن به آرمان‌های حکومت و هم‌سویی با

تحولات جهانی بودند. در این دوره طبیعت در قالب سوژه و ابژه نقش‌آفرینی نمود و حضور کالبدی و عملکردی آن از

یک سو علاوه بر یادآوری گذشته از طریق معانی صریح و ضمنی، منجر به تولید معانی جدید-که راهبردی در جهت

اداره جامعه، نظارت بر رفتار انسان‌ها و کنترل آن‌ها بود- گردید و از سوی دیگر عاملی برای تولید دانش از طریق آفرینش دیدگاه‌ها و اندیشه‌های نو در حوزه هنر و معماری- ایجاد گرایش‌های متنوع معماری، دگرگونی حضور طبیعت

از طریق مفاهیم نوظهوری همچون برون‌گرایی، یکسان-سازی و ... و تحول در تولیدات صنعتی فضاهای داخلی و ... گردید.

۱۰- تقدیر و تشکر

موردی از طرف نویسندگان اعلام نشده است

۱۱- پی‌نوشت‌ها

۱. سازه‌انگاری در فرهنگ فارسی با عناوین سازنده‌گرایی، تفسیرگرایی، تکوین‌گرایی و برساخته‌گرایی به کار می‌رود (نظری و صحرایی، ۱۳۹۴: ۶۳). طرفداران این رهیافت معتقدند که محیط یا ساختار متاثر از کنش کنش‌گر است و اراده عامل یا کارگزار در شکل‌گیری و جهت‌دهی به ساختار غلبه دارد (ریترز، ۱۳۷۴: ۴۱۸). سازه-انگاران کنش‌گران اجتماعی هستند که با نظام‌های مفهومی فرهنگ خود و نظام‌های زبانی و دیگر نظام‌های بازنمایی را به کار می‌برند تا معنا بسازند، جهان را معنادار کنند و درباره آن جهان ارتباط معناداری با دیگران برقرار کنند. آن‌ها وجود جهان مادی را انکار نمی‌کنند؛ به نظر آن‌ها جهان مادی حامل معنا نیست بلکه نظام زبانی یا هر نظامی که برای بیان یا بازنمایی مفاهیم به کار می‌رود، حامل معنا هستند (گل‌محمدی، ۱۳۹۶: ۵۰).

۲. در حوزه علوم سیاسی و اجتماعی مطالعات متعدد و جامعی در زمینه تبارشناسی فوکویی و تحلیل گفتمان انجام شده است که می‌توان به مقالات و کتب زیر اشاره نمود:

حاجلی (۱۳۹۵): نزاد ایران (۱۳۹۴): صالحی‌زاده (۱۳۹۰): مصلی‌نژاد (۱۳۸۷): حسینی‌زاده (۱۳۸۷)، گارلند (۲۰۱۴)، شرج و مکنزی (۲۰۰۰)، فوکو (۱۹۹۱) و فوکو (۱۹۹۰) اشاره نمود.

۳. تاکنون پژوهش‌های متعددی در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی معماری معاصر ایران - دوره پهلوی انجام شده است که مطالعات انجام شده عبارتند از: حسن‌پور و سلطان‌زاده (۱۳۹۵): قبادیان (۱۳۹۲): شیرازی و یونسسی (۱۳۹۰): سهیلی و دیبا (۱۳۸۹): علیزاده و طرفداری (۱۳۸۹): بانی مسعود (۱۳۸۸).

۴. نشانه‌شناسی، علمی است که به مطالعه نظام‌های نشانه‌ای نظیر زبان‌ها، رمزگان‌ها، نظام‌های علامتی و غیره می‌پردازد (گیرو، ۱۳۹۲: ۱۳) و هدف آن درک قراردادهای و کارکرد نظام‌های نشانه‌ای است که به دنیای انسانها شکل می‌دهند؛ به عبارتی نشانه‌شناسی اشیا یا اعمالی را که درون یک فرهنگ معنی دارند، نشانه تلقی می‌کند و از این طریق می‌کوشد قوانین و قراردادهایی را که آگاهانه یا ناخودآگاه توسط اعضای آن فرهنگ درونی شده‌اند و معنای پدیده‌ها را ممکن می‌کند، تشخیص دهد (کالر، ۱۳۹۰: ۷۶).

۵. اسپیرن در تعریف سیمای اولیه و ثانویه طبیعت می‌گوید: از نظر مولفین از سیرو گرفته تا مارکس، طبیعت اولیه به مفهوم طبیعتی است که انسان آن را دگرگون نساخته و تبدیل به طبیعت ثانویه نکرده باشد (اسپیرن، ۱۳۸۷: ۴۱). عناصری همچون آسمان، آب، باد، خاک و صور گوناگون حیات اعم از گیاهان و حیوانات خانگی همگی به صورت طبیعت اولیه در دسترس بوده و در کنار یکدیگر و در کنش و واکنش نسبت به یکدیگر و انسان بودند. انسان با فعالیت خود برای



- دانیل، ویکتور؛ شافعی، بیژن؛ سروشیانی، سهراب. ۱۳۸۲. معماری نیکلای مارکف، تهران: انتشارات دید.
- داعی‌پور، زینب. ۱۳۹۳. رابطه حضور طبیعت و افزایش حس تعلق در خانه‌های سنتی ایران، فصلنامه علمی- پژوهشی باغ نظر(۳۰)، ۴۹-۵۸.
- دریفوس، هیوبرت؛ رابینز، پل. ۱۳۸۷. میشل فوکو: فراسوی ساختگرایی و هرمنوتیک. ترجمه حسین بشیریه، تهران: نشر نی.
- رئیسی، محمدمنان. ۱۳۹۵. معناشناسی متن/ معماری با استناد به آموزه‌های اسلامی. فصلنامه علمی پژوهشی الهیات هنر شماره ششم، ۵۳-۸۶.
- زمانی، پگاه. ۱۳۷۸. مقدمه‌ای بر حضور طبیعت در معماری. مجموعه مقالات معماری، دومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران(۲۵-۲۹ فروردین ۱۳۷۸)، تهران سازمان میراث فرهنگی کشور.
- سجودی، فرزاد. ۱۳۹۳. نشانه‌شناسی کاربردی، تهران، نشر علم، چاپ سوم.
- سجودی، فرزاد. ۱۳۸۸. نشانه‌شناسی نظریه و عمل، تهران: نشر علم.
- سهیلی، جمال‌الدین؛ دیبا، داراب. ۱۳۸۹. تاثیر نظام‌های حکومتی در ظهور جنبش‌های ملی‌گرایانه معماری ایران و ترکیه. فصلنامه علمی- پژوهشی باغ نظر(۱۴)، ۲۷-۴۴.
- شافعی، بیژن؛ سروشیانی، سهراب؛ دانیل، ویکتور. ۱۳۸۴. معماری کریم طاهرزاده بهزاد. تهران: انتشارات دید.
- شولتز، کریستین نوربرگ. ۱۳۸۱. معماری: حضور، زبان و مکان، ترجمه علیرضا سیر احمدیان، تهران: موسسه نشر معمار.
- شیرازی، علی‌اصغر؛ یونسی، میلاد. ۱۳۹۰. تاثیر ملی‌گرایی بر معماری بناهای حکومتی دوره پهلوی اول. فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی(۴)، ۵۹-۶۹.
- شیرازی، محمدرضا. ۱۳۸۱. نشانه‌شناسی معماری، مجله معمار شماره ۱۶.
- صالحی‌زاده، عبدالهادی. ۱۳۹۰. درآمدی بر تحلیل گفتمان میشل فوکو؛ روش‌های تحقیق کیفی. معرفت فرهنگی اجتماعی(۳)، ۱۱۳-۱۴۱.
- ضیمران، محمد. ۱۳۹۵. میشل فوکو: دانش و قدرت. تهران: انتشارات هرمس.
- طاهری سرتشنیزی، اسحاق؛ عزیزخانی، احمد. ۱۳۹۰. انسان-شناسی پست‌مدرن و نقد آن از آموزه‌های دینی انسان-پژوهی دینی(۲۵)، ۳۵-۵۷.

رفع نیازهای مادی و عملکردی و نیازهای روحی با ایجاد تغییرات محدود و غیرمخرب بر طبیعت اولیه، از همان عناصر استفاده و عناصری با ماهیت طبیعت ثانویه همچون مصالح ساختمانی، گیاهان پرورشی و ... را خلق می‌کرده است. تجرید طبیعت صورت سوم حضور بوده است. در تجرید با ساده کردن، تفکیک ویژگی‌ها و بعضاً هندسی-کردن اشکال برای نمایش خصایص بنیادین، طبیعت با تعریفی انسانی نمایش داده می‌شد(داعی‌پور، ۱۳۹۳).

۱۲- منابع فارسی و لاتین

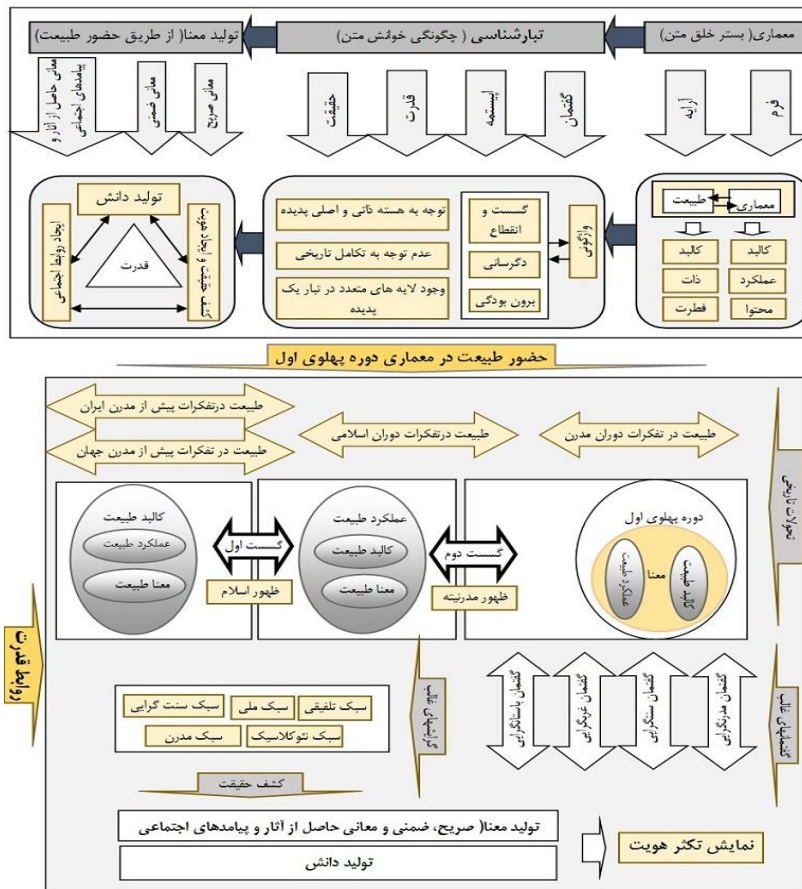
- ادیبی، علی‌اصغر؛ منعم، علیرضا و قاضی‌زاده، سیده ندا. ۱۳۸۴. جایگاه آب و آب‌نما در پارک‌های شهری. نشریه هنرهای زیبا(۲۲)، ۷۳-۸۲.
- اسپیرن، آن ویستون. ۱۳۸۷. زبان منظر. ترجمه سید حسین بحرینی و بهناز امین‌زاده، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- اکرمی، موسی؛ اژدریان شاد، زلیخا. ۱۳۹۱. تبارشناسی از نیچه تا فوکو. فصلنامه علمی- پژوهشی روش‌شناسی علوم انسانی(۷۰)، ۷-۳۲.
- الکساندر، کریستوفر. ۱۳۹۲. سرشت نظم. ترجمه رضا سیروس صبری و علی اکبری، تهران: انتشارات پرهام نقش، چاپ دوم.
- بانی‌مسعود، امیر. ۱۳۸۸. معماری معاصر ایران در تکاپوی سنت و مدرنیته. تهران: نشر هنر معماری قرن.
- تقی‌زاده، کنایون. ۱۳۸۵. آموزه‌هایی از سازه‌های طبیعی، درسهایی برای معماران. فصلنامه علمی- پژوهشی هنرهای زیبا(۲۸)، ۷۴-۸۵.
- چندلر، دانیل. ۱۳۹۴. مبانی نشانه‌شناسی. ترجمه مهدی پارسا، تهران: انتشارات سوره مهر، چاپ پنجم.
- حاجلی، علی. ۱۳۹۵. فوکو، گفتمان، تحلیل گفتمان. فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات(۴۲)، ۶۳-۸۷.
- حسن‌پور، ناصر؛ سلطان‌زاده، حسین. ۱۳۹۵. عوامل پس‌زمینه تحولات معماری معاصر ایران در دوران پهلوی دوم و مقایسه تطبیقی آن با ترکیه. فصلنامه علمی- پژوهشی باغ نظر(۴۴)، ۳۹-۵۲.
- حسینی‌زاده، محمدعلی. ۱۳۸۳. نظریه گفتمان و تحلیل سیاسی. فصلنامه علوم سیاسی(۲۸)، ۱۸۱-۲۱۲.
- حقیر، سعید. ۱۳۸۷. سبک‌شناسی آر-نو در معماری معاصر ایران. دانشگاه تهران، نشریه علمی- پژوهشی هنرهای زیبا(۳۵)، ۶۳-۷۳.
- همه‌جانی، یوسف. ۱۳۹۷. معناکاوی در معماری از منظر نشانه‌شناسی فرهنگی، رساله دکتری به راهنمایی قادر بایزیدی و مشاوره جلیل سحابی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سئندج.

- علی‌زاده، محمدعلی؛ طرفداری، علی‌محمد. ۱۳۸۹. تاثیر گفتمان ملی‌گرایی بر تحولات اجتماعی و فرهنگی دوره پهلوی اول. پژوهش‌نامه تاریخ، (۱۹)، ۹۹-۱۲۲.
- عروج‌نیا، پروانه؛ هوشنگی، لیلا. ۱۳۹۵. متون دینی زرتشتی و محیط زیست. نقش انسان در آبادانی زمین و طبیعت، دو فصلنامه علمی- پژوهشی پژوهشنامه ادیان (۱۰)، ۱۱۱-۱۳۱.
- عضدانلو، حمید. ۱۳۸۰. گفتمان و جامعه، تهران: نشر نی.
- غضبانپور، جاسم. ۱۳۸۰. خانه ایرانی، تهران: انتشارات تیس.
- فرهی فریمانی، مریم؛ حقیقت‌بین، مهدی. ۱۳۹۵. واکاوی ادراک ایرانیان در مواجهه با طبیعت (مطالعه موردی: بررسی تولیدات علمی در رشته معماری منظر و حوزه هنر و معماری). فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، (۲۴)، ۳۳-۴۲.
- فلاحت، محمدصادق؛ شهیدی، صمد. ۱۳۸۹. تحولات مفهوم طبیعت و نقش آن در شکل‌گیری فضای معماری. نشریه هنرهای زیبا، (۴۲)، ۳۷-۴۵.
- فوکو، میشل. ۱۳۸۳. اراده به دانستن، ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده، تهران: نشر نی.
- قادری، زکریا. ۱۳۹۰. نقد گفتمان فلسفی مدرنیته: سوژه، حقیقت و قدرت در اندیشه میشل فوکو. دو فصلنامه علمی-پژوهشی غرب‌شناسی بنیادی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ۲، شماره ۲، ۱۲۷-۱۷۹.
- قبادیان، وحید. ۱۳۹۲. سبک‌شناسی و مبانی نظری در معماری معاصر ایران. تهران: موسسه علم معمار.
- قنبری، حسین. ۱۳۹۶. قدرت معنایی و ساختار، خوانشی از اندیشه‌های آلتوسر، گرامشی و فوکو. تهران: نشر نگاه معاصر.
- قدوسی‌فر، هادی؛ حبیب، فرح؛ شهبازی، مهتیار. ۱۳۹۱. حکمت خالده و جایگاه طبیعت در جهان بینی و معماری معابد ادیان مختلف. فصلنامه علمی- پژوهشی باغ نظر، (۲۰)، ۳۷-۵۰.
- کالر، جان‌تان. ۱۳۹۰. در جستجوی نشانه‌ها؛ نشانه‌شناسی، ادبیات و واسازی. ترجمه لیلا صادقی و تینا امرالهی، تهران: نشر علم، چاپ پنجم.
- کلابچی، محمود؛ زینالی‌فرید، آیدا. ۱۳۹۳. معماری آرکی‌تایپی (کهن‌الگوی). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- گل‌محمدی، احمد. ۱۳۹۶. معنا، فرهنگ و زندگی اجتماعی. تهران: نشر نی.
- گیرو، پی‌یر. ۱۳۹۲. نشانه‌شناسی. ترجمه محمد نبوی، تهران: انتشارات آگاه، چاپ چهارم.
- محمودی، عبدالله. ۱۳۸۴. بازنگری اهمیت ایوان در خانه‌های سنتی. فصلنامه علمی- پژوهشی هنرهای زیبا (۲۲)، ۵۳-۶۲.
- مصلی‌نژاد، عباس. ۱۳۸۷. تحلیل فرهنگ سیاسی در ایران معاصر بر اساس رهیافت گفتمانی. مجله مطالعات سیاسی (۱)، ۱-۱۶.
- نژاد ایران، محمد. ۱۳۹۴. بررسی مفهوم قدرت و امر سیاسی در نظریه‌های گفتمان. فصلنامه علمی- تخصصی سیاست پژوهی (۳)، ۹۱-۱۱۴.
- نصر، سیدحسین. ۱۳۷۹. انسان و طبیعت، بحران معنوی انسان متجدد. ترجمه عبدالکریم گواهی، تهران: انتشارات دفتر فرهنگی اسلامی.
- نظری، علی‌اشرف؛ صحرايي، علیرضا. ۱۳۹۴. هستی‌شناسی رهیافت سازه‌انگاری و بازخوانی چشم‌اندازهای تحلیلی آن، دیرینه‌شناسی منظره‌های فکری. فصلنامه علمی پژوهشی روش‌شناسی علوم انسانی ۲۱ (۸۳) ۶۳-۹۲.
- نوابخش، مهرداد؛ کریمی، فاروق. ۱۳۸۸. واکاوی مفهوم قدرت در نظریات میشل فوکو. قم: موسسه فرهنگی و اصلاع رسانی تبیان.
- نورمحمدی، سوسن. ۱۳۸۸. ضرورت درک سرشت فضای معماری با استناد به رویکردهای معاصر مبتنی بر طبیعت. نشریه هنرهای زیبا (۳۷)، ۴۹-۵۸.
- وزارت مسکن و شهرسازی، معاونت شهرسازی و معماری و مهندسين مشاور نقش جهان- پارس. ۱۳۸۸. معماری معاصر ایران، ۷۵ سال تجربه بناهای عمومی. تهران: شرکت طرح و نشر پیام سبما.
- یحیایی ایل‌های، احمد. ۱۳۹۰. تحلیل گفتمان چیست؟. نشریه بین‌المللی تحقیقات روابط عمومی (۶۰)، ۵۸-۶۴.
- Coburn, Alexander; Kardan. Omid; Kotabe, Hiroki; Steinberg, Jason; Hount, Micheal.C; Robbins, Arryn et al. 2019. Psychological responses to natural patterns in architecture. Journal of Environmental Psychology, 62, 133-145.
- El Ghobashy, Shaimaa; Mosaad, Gihan. 2016. Nature Influences on Architecture Interior Designs. Procedia Environmental Sciences 34, 573 – 581.
- Elipe, Dolores Alvarez; Diaz, Jesus Anaya. 2018. Review of contemporary architecture projects based on nature geometries, Revista de la Construcción. Journal of Construction, vol 17, No 2.



- Scheurich, James. Joseph; Makenzie, Kathryn.2000. Foucault Methodologies: Archaeology and Genealogy, in Handbook of Qualitative Research, Second edition, Norman K. Denzin, and S. Yvonna, London: Sage Publication Ltd.
- Yurthuran, Selay; Kirli. Gozde; Taneli, Yavuz.2013. Learning from Nature: Biomimetic Design in Architectural Education. Procedia - Social and Behavioral Sciences 89, 633 – 639.
- www.Caio.ir
- www.isna.ir
- www.Shahrefarang
- Garland, David .2014. What is a “‘history of the present’”? On Foucault’s genealogies and their critical preconditions, vol.16 (4), 365-384.
- Giurea, Diana. 2014. A didactic method for transposing natural forms in architecture, Procedia - Social and Behavioral Sciences 116, 3165 – 3168.
- Foucault, Micheal. 1991. Discipline and Punish: The Birth of the Prison.London: Penguin.
- Foucault, Micheal. 1990. History of Sexuality, Introduction. London: Penguin.
- Lewcock, Ronald. 2006. Generative concepts in vernacular architecture, A. Lindsay, V. Marcel (Eds), vernacular architecture in the 21st centry: theory, education and practice, London, New York: Taylor & Francis. 199-214.

۱۳- چکیده تصویری





Investigating the Presence of Nature in the First Pahlavi's Architectural index buildings (Based on Foucault's Genealogy)

Kianoush Faraji¹, Qader Bayzidi*², Bahman Bayangani³

Submitted:

2019-06-19

Accepted:

2020-04-26

Abstract

Architecture is a cultural context and place for reflecting individual and social beliefs, ideas and thoughts, and in different eras, throughout history, has illustrated diverse concepts of efficiency through form, function, and content. One of these concepts is nature, that has been present in the body and spirit of phenomena through and its effects on human sensory, cognitive and intuitive abilities via 1. Direct observation and influence of tangible elements as primary nature, 2. Involvement in nature and structural transformation of its elements as secondary nature, and 3. Concepts of nature abstractly abstracted in body and content. This multiplicity of times in different ages - from ancient mythical to new insights - has had a variety of meanings and depends on the components, according to the Foucault's ideas, discourses are their creator; Discourses that are the result of the power of society and contain statements that affect all structures of society. The First Pahlavi era in Iran is the transition from tradition to modernity and the era of innovative developments in architecture; national sweat and religious prejudice on the one hand and attachment to modern world developments on the other hand were influential components of these developments that led to there were various trends in architecture. Returning to the past, these tendencies embraced various concepts and adapted them to the conditions of society. In this period, internal and external political, social, and cultural developments have led to change in the structure of society. Undoubtedly, these variations interpreted the presence of nature and its derived concepts with new knowledge and insights. The main purpose of this study is to identify the discourses and their role in understanding the nature of the presence in the First Pahlavi period's architectural index buildings. Foucault's Genealogy is research method and the technique of data analysis is discourse analysis. Foucauldian genealogy is a critical analysis attempting to disrupt common knowledge about things; it is an historical-analytical method that emphasizes disconnect, continuity and lack of oneness, and in search of evolutionary grand rules or profound meanings that make sense. It is a critical way of criticizing and analyzing the factors that have generated valuable concepts in the present time. Emphasis on the relationship of knowledge and the emergence of discourse in the intersection of power and knowledge and the impact of non-speech acts are among the issues encountered in this method. The results of the study show that the presence of nature and its implications in the architecture of the First Pahlavi period does not have a permanent and predetermined fixed identity and is not affected by the course of historical evolution; Rather, it is influenced by the presence of discourses that are formed in each period on the basis of the dominant characteristics of society and which have played a significant role in shaping their identities; In addition, the passage of time has not only contributed to the evolution and continuity of nature's presence in Iranian architecture, Rather, it has been the creator of disconnections that can be the prelude to the creation of a new form of domination and the discovery of new fact and knowledge in architecture.

Keyword: Genealogy, Foucault, Nature, Architecture, First Pahlavi period

¹ Department of Architecture, Faculty of Engineering, Islamic Azad University, Sanandaj Branch, Sanandaj, Iran.

^{2*} Assistant Professor, Department of Architecture, Faculty of Engineering, Islamic Azad University, Sanandaj Branch, Sanandaj, Iran

³ Assistant Professor, Department of Social Science, Faculty of Humanities and Social Sciences Golestan University Golestan, Iran.